

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: جهاد جلسه هشتاد و هفتم تاریخ: ۸۸/۱/۲۵
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خاتم الانبياء و المرسلين سيدنا و نبينا أبي القاسم محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين سيما بقيه الله في الارضين واللعن على أعدائهم أجمعين.

بحث ما با توفيق پروردگار متعال درباره ی اقسام جهاد بود. عرض کردیم که قسم اول جهاد قیام و نهضت در برابر مستکبرین برای نجات مستضعفین است؛ که این خود یک فصلی از قیام انبیاء و اولیاء خداوند است و مسئله ی بسیار مهم و فراگیر و جهانی بوده است. موضوع دوم نهضت و جهاد در برابر قدرت های سلطنتی و حکومتی. چون یکی از موضوعات تأثیرگذار سلاطین بوده اند که بر اساس ظلم و اجحافی که داشته اند بر مردم حکومت می کردند؛ این هم فصلی از قیام انبیاست. این قیام خیلی تأثیر گذار است. در نهج البلاغه در نامه ی ۳۱ که حضرت امیر علیه السلام برای فرزندشان امام حسن مجتبی علیه السلام نوشتند «إِذَا تَغَيَّرَ السُّلْطَانُ تَغَيَّرَ الزَّمَانُ» آنقدر سلطنت و سلطان در سرنوشت مردم در جریان ها مؤثر است که «إِذَا تَغَيَّرَ السُّلْطَانُ تَغَيَّرَ الزَّمَانُ». باز حضرت امیر علیه السلام در تحف العقول «الناس بأمرائهم أشبه منهم بأبائهم» مردم به فرمانروایان خود شبیه ترند تا پدران و مادران خود. تأثیر اخلاق ملوک و فرمانروایان در مردم بیش از تأثیر اخلاق پدر و مادر در فرزند است. قرآن کریم هم در یک مورد (إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَ جَعَلُوا أَعْرَآةَ أَهْلِهَا أُذُنًا) آیه ۳۴ از سوره ی نمل سوره ی ۲۷ قرآن مجید. هر چند قرآن نقل می کند «قالت» از قول آن ملکه ی یمن، اما بالاخره قرآن که نقل می کند رد نمی کند. یک پرونده ایست برای ملوک در قرآن کریم به این ترتیب که ملوک ایجاد فساد می کنند «إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا» و عزیزان آن قریه و مملکت را ذلیل می کنند «وَ جَعَلُوا أَعْرَآةَ أَهْلِهَا أُذُنًا وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» کارشان و نقششان در زندگی این است.

ما در روایات فراوان داریم که پیغمبر اکرم حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله یکی از نگرانی هایشان این بوده که بر ملت مسلمان ملوک و ائمه مضلین و پیشوایان گمراه کننده تسلط پیدا کنند. در بحار جلد ۲۸ صفحه ۳۲ نقل می کند «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا أَخَافَ عَلَيَّ أُمَّتِي الْأُمَّةَ الْمُضِلِّيْنَ» من بر امت خودم از پیشوایان گمراه کننده خوف و نگرانی دارم. از حضرت امیر علیه السلام در جلد ۴۱ بحار صفحه ۳۱۸ در اخبار حضرت از مغیبات «أَلَا وَ إِيَّيْ طَاعِينَ عَنْ قَرِيبٍ» من به زودی کوچ خواهم کرد طاعن- طاع و عین- طعن به معنی کوچ کردن «وَ مُنْطَلِقِي لِمَغِيبٍ» و از شما غائب خواهم شد «فَارْهَبُوا الْفِتْنَ الْأُمُويَّةَ وَ الْمَمْلَكَةَ الْكُسرُويَّةَ» از فتنه

ی بنی امیه و از مملکتی که کسرویه (کیاسره، اکاسره و قیاصره و کسرویه) کسری - با جر کاف- لقب سلاطین ایران بوده. قیصر لقب سلاطین روم بوده. کسری را به اکاسره جمع می بستند و قیصر را به قیاصره. روایات این است که ائمه : مردم را از سلطنت های قیصری و کسروی ترسانده اند. ما در اسلام اصلاً سلطنت نداریم. آیت الله طباطبائی (اعلی الله مقامه) کتابی دارند به نام شیعه در اسلام که باید مطالعه کنید، در صفحه ۵۵ آن کتاب دارند که اولین کسی که حکومت را به سلطنت تبدیل کرد معاویه بود. در زمان عثمان یک حرکتی آغاز شد از آن سادگی که حکومت اسلامی داشت که متصدی آن پیغمبر صلی الله علیه و آله و حضرت امیر علیه السلام بودند. اما عثمان در زمان خودش ساختن کاخ و تشریفات را شروع کرد و لذا ابوزر در برابرش قیام کرد که بعداً می گوئیم. اما باز هم به تشکیلات معاویه نمی رسید. در آن زمان چون شام تحت سیطره ی روم بود فتح شده بود همان قیاصره، معاویه همان نقش قیاصره را کم کم در حکومت خود پیاده کرد و ساختن کاخ ها و تشریفات و این جور مسائل. بالاخره این تبدل حکومت اسلامی که بسیار ساده بود از جهانی- به سلطنت و تشریفات یکی از مصیبت های بزرگ عالم اسلام است و این از همان اکاسره و قیاصره گرفته شده. اکاسره سلاطین ایران که تشریفات فراوان داشتند و قیاصره هم سلاطین روم. حضرت امیر علیه السلام می فرمایند که برسید از فتنه بنی امیه و مملکت کسرویه. مملکتی که بر اساس همان حکومت سلاطین ساسانی و سلاطین ایران پی ریزی می شد. بعد در همین آدرس جلد ۴۱ صفحه ۳۱۸ حضرت خلفای بنی عباس را یک یک ذکر کردند که این اخبار از مغیبات است. باب ۱۱۴.

خلاصه یکی از اقسام جهاد، قیام در برابر این نوع حکومت ها و سلطنت ها است که قیام سید الشهداء شاهراد این موضوع است که عرض می کنیم. قیام در برابر سلاطین و جباران، قیام زید در برابر هشام از همین باب است. قیام شهدای فخر در برابر سلطنت هادی از همین قسم است. در این رابطه خیلی قیام صورت گرفته؛ قیام مشروطه و تحریم تنباکو و قیام امام (رضوان الله علیه) اینها همه شان به این مربوط می شود. قیام در برابر سلاطین جبار و حکومت های سلطنتی که دارای مفاسد فراوانی هستند.

دیروز ما در اینجا بحث کردیم به نهج البلاغه رسیدیم، گفتیم در نهج البلاغه حضرت امیر علیه السلام خطبه ای فرمودند به نام خطبه قاصعه. این خطبه در فیض الاسلام خطبه ۲۳۴ است. ولی در شروح شماره ی خطبه خیلی فرق دارد. نهج البلاغه مثل قرآن نیست. در قرآن ترتیب آیات در سور و بقیه موارد اختلافی وجود ندارد؛ اما در نهج البلاغه این طور

آیت الله خامنه ای (دامت برکاته) در مسافرت خودشان در سال گذشته به شیراز که ده دوازده روز طول کشید، بعد از برگشتن ایشان مطالبی منتشر شد به عنوان "سخن یار" که شامل سخنرانی های ایشان در شهرهای استان فارس بود. بنده این را از اول تا آخر مطالعه کردم. در یک جا دارند که در تبریز یک آخوندی بود، از علما بود، انسان خیلی خوبی هم بود اما مقداری ساده بود. از شاه تعریف می کرد. می گفتند شاه شراب می خورد! می گفت خوب شاه اگر شراب نخورد که شاه نیست. فکرش این طور بود. می گفتند شاه قمار می کند! می گفت شاه باید قمار بازی کند. بعضی به این اندازه ساده بودند. می دانستند که سلاطین این قدر انحراف ها و ظلم ها دارند ولی چون سلطان است، ظل الله است، نباید با او مخالفت کرد. یک وقتی شاه به مشهد رفته بود و یک نمازی می خواند عکس برداشته بودند، پخش می کردند که شاه نماز می خواند؛ فکر می کردند شاه یک مقامی دارد که اگر نماز بخواند هم بخواند. حضرت امیر علیه السلام در اینجا می فرمایند «أَلَا فَالْحَدَرَ الْحَدَرَ» بترسید بترسید از طاعت این قبیل افراد که این قدر گردن کشی و ترفع دارند. حتی نسبت به خداوند این طور ادعا می کنند «انهم أَرْكَانُ الْفَيْئَةِ» اینها ارکان فتنه هستند. بنابراین در برابر اینها هیچ گاه طاعت نکنید و بیدار و هوشیار باشید.

ما در این بحثمان با توفیق پروردگار یکی از تفاوت هایی که می خواهیم بیان کنیم تفاوت بین شیعه و اهل سنت است. اهل تسنن تمام سلاطینشان را "واجب الطاعة" می دانند و قیام در برابر سلطانشان را هر چقدر هم که ظلم کند جایز نمی دانند. هر کس باشد؛ یزید و معاویه در نظر آنها مقدسند و اطاعت لازم است و قیام جایز نیست. مثلاً در برابر ولید بن یزید بن عبد الملک که آنقدر شراب می خورد و یک حوزی از شراب درست کرده بود و داخل آن می رفت و شنا می کرد و شراب می خورد، حتی خواست برود بالای بام خانه ی کعبه و شراب بخورد. قرآن را روزی باز کرد که ببیند عاقبت چه می شود که مردم این حرفها را می زنند (وَ اسْتَفْتَحُوا وَ خَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ) این آیه آمد قرآن را گذاشت و هدف تیر قرار داد «هُدًى لِّى بِجَبَّارٍ عَنِيدٍ فَهَذَا ذَاكَ جَبَّارٌ عَنِيدٌ إِذَا مَا جِئْتَ رَبَّكَ يَوْمَ حَشْرِ فَقُلْ يَا رَبِّ مَرْقَنِي الْوَلِيدِ». تمام سنی ها قائلند به این که سلطان هر کسی که باشد باید از او اطاعت کرد و قیام در برابر او جایز نیست. ولی شیعه این عقیده را ندارد؛ بلکه این طور نیست. چون شیعه تابع فرهنگ اهل بیت : است. اهل بیت : از طرفی در مقابل این قبیل سلاطین با صراحت و قاطعیت گفتند که اینها ظالمند و با اینها همکاری کردن به هر نحوی که باشد حرام است.

نیست. یک خطبه ممکن است در شرحی یک شماره و در شرح دیگری شماره ی دیگر باشد. حالا چرا این جور شده؟ حرف همان حرف است _مطلب همان است_ اما در شماره و ترتیب و تقدم و تأخر تفاوت دارد. خلاصه خطبه ی قاصعه طولانی ترین خطبه در نهج البلاغه است. این خطبه در شرح خوئی ۱۹۱ است. این قدر تفاوت وجود دارد. منظورم از خوئی علامه ی خوئی است که شرحش بر نهج البلاغه ۲۳ جلد است که شاید کامل ترین شرح باشد. از جهت اینکه هم روایات دارد و هم تاریخ دارد و خیلی به روایات اهل بیت نظر دارد. این خوئی غیر از آیت الله العظمی خوئی است. زمانش هم قبل از ایشان است. در شرح بحرانی جلد چهارم صفحه ۲۳۲، شرح ابن ابی الحدید جلد ۱۳ صفحه ی ۲۳۸، فی ظلال جلد ۳ صفحه ۱۰۷. حضرت در اینجا می فرمایند که عبرت بگیرید «فَاعْتَبِرُوا بِحَالِ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ وَ بَنِي إِسْحَاقَ وَ بَنِي إِسْرَائِيلَ علیهم السلام» در این خطبه درباره ی موضوع امتحان و مستکبرین و نقش آنها مطالب زیاد است. تا می رسد به اینجا که عبرت بگیرید از فرزندان اسماعیل و پسر ابراهیم علیهم السلام، فرزندان اسحاق و بنی اسرائیل که فرزندان یعقوبند. بعد می فرمایند در نتیجه ی اختلاف بین آنها اکاسره و قیصره بر اینها مسلط شدند «كَانَتِ الْأَكَاسِرَةُ وَالْقَيَاصِرَةُ أَرْبَابًا لَهُمْ» و از اینکه اکاسره و قیصره و سلاطین این چنین نقش منفی در زندگی انسان ها دارند در اینجا حضرت مطالبی دارند که مطالعه می کنید. بعد از این موضوع می فرمایند «أَلَا فَالْحَدَرَ الْحَدَرَ» بترسید بترسید «مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ وَ كِبْرَائِكُمْ» از اطاعت آنهایی که به جای بزرگان و فرمانروایان در میان شما خودشان را جا زده اند «الَّذِينَ تَكْبَرُوا عَنْ حَسَبِهِمْ» گردن کشی کردند و از شخصیت خودشان خود را بالاتر تصور کردند «وَ تَرَفَعُوا فَوْقَ نَسَبِهِمْ» فوق نسبت خودشان. در کتابها ملاحظه می کردید، خاقان بن خاقان بن خاقان، سلطان بن سلطان بن سلطان خودشان را یک تافته ی جدا بافته از مردم معرفی می کنند و اینها نقششان این است که می خواهند مردم عبیدشان باشند و خود ارباب مردم باشند. در برابر اینها باید قیام صورت بگیرد. غیر از زبان جهاد هیچ زبان دیگری نمی تواند اینها را از این ادعایشان پایین بیاورد. «وَ الْقَوَا أَلْهَجِيَّةَ عَلَي رَبِّهِمْ» اینها کارشان به جایی رسید که از طرف خدا ادعاهایی داشتند. سلطان را ظل الله معرفی می کردند، قبله ی عالم معرفی می کردند، برای خودشان یک قداستی درست کرده بودند. مردم عوام هم سلاطین را با یک قداستی نگاه می کردند. می دانستند که آنها گناهان و آلودگی های فراوانی دارند اما در عین حال قبله ی عالم بودند و ظل الله و از این قبیل عبارات.

اینها توجیه ندارد؛ چون آنها گفته اند که جهاد سه قسم است یا دعوت اسلام است یا دفاع است یا بغا است. ولی خوب این طور نیست؛ جهاد خیلی وسیع تر از این است. قیام سید الشهداء علیه السلام، ثوره سید الشهداء علیه السلام. طبری در تاریخ خودش دارد، ابن اثیر در کامل که سید الشهداء علیه السلام وقتی با حرّ بر خورد کردند این خطبه را خواندند «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدْ قَالَ فِي حَيَاتِهِ مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ تَاكِتًا لِعَهْدِ اللَّهِ» سید الشهداء علیه السلام هدف خود را در همین خطبه منعکس و بیان کردند که در برابر سلطان جائر سکوت جایز نیست و کسی که سکوت کند خداوند او را همانند آن سلطان داخل جهنم می کند. بنابراین جهاد در برابر سلطان جائر در فرهنگ اهل بیت : بسیار درخشنده و روشن است. مثلاً قیام ابوذر در برابر عثمان. در نهج البلاغه است که وقتی ابوذر قیام کرد و عثمان او را تبعید کرد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام او را بدرقه کردند و فرمودند «يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّكَ غَضِبْتَ لِلَّهِ فَارْجُ مِنْ غَضَبِهِ لَهُ إِنَّ الْقَوْمَ خَافُوكَ عَلَي دُنْيَاهُمْ وَ خَفْتَهُمْ عَلَي دِينِكَ فَاتْرُكْ فِي أَيْدِيهِمْ مَا خَافُوكَ عَلَيْهِ وَ اهُرْبْ مِنْهُمْ بِمَا خَفْتَهُمْ عَلَيْهِ» در آخرش دارد «لَا يُؤْنِسُكَ إِلَّا الصَّقُّ وَ لَا يُوحِشُكَ إِلَّا الْبَاطِلُ فَلَوْ قَبِلْتَ دُنْيَاهُمْ لَأَحْبَبْتُكَ وَ لَوْ قَرَضْتَ مِنْهَا لَأَمْتُوكَ» آدرس این خطبه که خواستید مطالعه فرمایید. در شرح خوئی جلد هشتم صفحه ی ۲۳۶، شرح ابن ابی الحدید جلد هشتم صفحه ی ۲۵۲، شرح بحرانی جلد سوم صفحه ی ۱۴۵، شرح فی ظلال جلد دوم صفحه ی ۲۶۳.

بنده عرض کردم بسیاری از قیام ها با همین موضوع باید ارزیابی شود. همان جریان تحریم تنباکو، جریان مشروطه، جریان شیخ فضل الله نوری و شهادت ایشان، شهادت مدرس. تمام اینها این طور است و البته این را باید در نظر داشته باشیم که تمام جهادها که در حد کشتن می رسد باید به اذن امام یا قائم مقام امام علیه السلام باشد. یعنی انسان خود به خود نمی تواند این کار را انجام دهد. چون ما قائلیم که جهاد باید با امام عادل باشد؛ یا معصوم یا قائم مقام معصوم علیه السلام. در همان زمان ما کشتن رزم آرا، کشتن حسن علی منصور این دو نفر نخست وزیری هستند که در زمان ما کشته شدند. در اولی برای کشتنش از آیت الله کاشانی اجازه گرفتند و در دومی از آیت الله میلانی اجازه گرفتند که خودشان دارند که کار حزب مؤتلفه است.

بالاخره قیام ایران؛ در کلمات امام که پر از این مطالب است. حالا یک نمونه را عرض می کنیم. ایشان دارند که ولایت فقیه بیانگر این موضوع است که تمام این حکومت ها باطل است و بایستی فقیه زمام این امور را به دست بگیرد. کلمه ای دیگر دارند که بعضی به ما می گویند که

بنده در کتاب خمس یک فصلی در این موضوع نوشته ام که ائمه : در برابر اینها چه می گفتند و در کتاب امر به معروف هم نوشته ام که چند سطر است. «من اشد المواقف» ائمه : داشته اند در برابر سلاطین بنی امیه و بنی عباس. دیروز هم کلام امام صادق علیه السلام را خواندیم که ولایت والی جائر "دوس" و از بین رفتن اسلام است و احیاء قاتل است و قتل انبیاء و هدم مساجد. شیخ انصاری هم در اول مکاسب محرمه دارد. خلاصه امام صادق علیه السلام در تحف العقول در کتاب های دیگر هم هست که عرض می کنم می فرمایند «مَنْ عَلَّقَ سَوْطًا بَيْنَ يَدَي سُلْطَانٍ جَائِرٍ» کسی یک تازیانه ای را در مقابل سلطان جائر بیندازد «جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ السَّوْطَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عُقْبَانًا مِنْ نَارِ طَوْلِهِ سَعُونَ ذِرَاعًا يُسَلِّطُهُ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ» در وسائل هم جلد ۱۲ صفحه ۱۳۰ از وسائل ۲۰ جلدی این روایت وجود دارد. «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ أَعْوَانُ الظَّالِمَةِ وَ مَنْ لَأَقِ لَهُمْ دَوَاةٌ أَوْ رَبِطٌ كَيْسًا أَوْ مَدَّ لَهُمْ مَدَّةَ قَلَمٍ» هر کس که در دواتشان ليقه انداخته به این اندازه به آنها کمک کرده یا کیسه ای دوخته یا قلمی را تراشیده «فَأَحْشُرُهُمْ مَعَهُمْ». شخصی از حضرت سؤال کرد که اگر من به سلاطین بنی عباس کمک کنم چگونه است؟ حضرت فرمودند «مَا أَحِبُّ أُمَّي عَقَدْتُ لَهُمْ عُقْدَةً» من دوست ندارم گرهی در کار اینها بزنم «أَوْ وَكَيْتُ لَهُمْ وَكَاءً» یا در مشکی را ببندم «وَأِنْ لِي مَا بَيْنَ لَأَبْتِنَهَا» لابتینها- لابه تننیه اش می شود لابتین- ها به مدینه بر می گردد. یعنی اگر ما بین دو تپه یکی آن طرف مدینه و یکی این طرف مدینه که شهر در وسط قرار بگیرد، یعنی تمام مدینه را به من بدهند، دوست ندارم که یک گرهی در کارشان بزنم یا در مشکی را برایشان ببندم «لَا وَ لَأَا مَدَّةً بِقَلَمٍ إِنْ أَعْوَانُ الظَّالِمَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي سِرَادِقٍ مِنْ نَارٍ»، «مَنْ سَوَّدَ اسْمَهُ فِي دِيْوَانِهِمْ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ خِزْرِيًّا»، «لَا تُعْتَهُمْ عَلَي بِنَاءِ مَسْجِدٍ» اگر مسجد هم ساختند به آنها کمک نکنید.

خلاصه از این قبیل عبارات زیاد است. در همان جلد ۱۲ وسائل ذکر کرده. بنده هم در کتاب امر به معروف ذکر کرده ام. ائمه : با این شدت در برابر سلاطین نهضت و قیام داشتند. امام (رضوان الله علیه) هم در وصیت نامه ی خود دارند که ما افتخار می کنیم که ائمه ی ما در برابر جباران این طور قیام و صراحت داشتند، به زندان رفتند و به شهادت رسیدند برای اینکه حکومت اسلامی را بنا کنند و با حکومت غیر اسلامی مخالفت کرده باشند.

در اینجا مطالب زیاد است که ما فقط آنهایی که به بحث ما مربوط است را عرض می کنیم. یکی از موضوعاتی که بسیار لازم است به آن توجه کرد قیام سید الشهداء علیه السلام است. آن طور که فقهای ما گفتند

مردم این را نمی پذیرند. ایشان می گویند که شما کدام مردم را می گوئید؟ امام می فرمایند ما سر و کارمان با آن مردمی است که در دفن آیت الله طالقانی بیل و کلنگ را می بوسیدند. ولایت فقیه همان ولایت رسول الله ﷺ است. اینها از آخوند نمی ترسند اسلام را آخوند آورده و عرض می کنم که آخوند و آخوند مسلک یعنی اسلامی و اسلامی مسلک بودن. اما کسانی که از آخوند می ترسند از اسلام می ترسند. این در جلد ۹ صحیفه ی امام صفحه ۵۳۰. امام در این بحث ما مطالب فراوانی دارند که ان شاء الله بقیه برای فردا.